مجله علمی پژوهش در علوم انسانی و تحقیقات میان رشته ای ، شماره ۲۱ ، پاییز ۱۳۹۹جلد۱، ص ۴۸-۳۸
http://www.jase.ir

بررسی قانون حاکم در حل اختلافات ناشی از تعهدات قهری و قراردادی در حقوق تجارت بین الملل با تاکیدی بر بهره مندی از نهاد داوری تجاری بین المللی

مجله علمی پژوهش در علوم انسانی و تحقیقات میان رشته ای (سال ششم)
شماره ۲۱ / پاییز ۱۳۹۹ / ص ۴۸-۳۸

بهنام تیرافکن[۱]، محمد سهراب زاده[۲]
[۱] قاضی دادگستری
[۲] قاضی دادگستری

نویسنده مسئول:
بهنام تیرافکن

چکیده
به طورکلی تعهدات به دودسته عمده تعهدات قراردادی وتعهدات غیر قراردادی منقسم می‌گردند. تعهدات غیرقراردادی در واقع تعهداتی می باشند که بر مبنایی قانونی و قهری استوارند و نه بر پایه قراردادی که بین متعاملین منعقد شده است. سوال اصلی نگارنده در این پژوهش این است که قانون قابل اعمال بر تعهدات غیرقراردادی در نظام حقوقی تجارت بین الملل و حقوق داخلی کدام است؟ و در صورت سپردن امر مورد اختلاف به داوری به چه شکل باید اقدام نمود؟ در این مقاله حدود و ثغور مسئولیت ناشی از تعهدات قهری و قراردادی در نظام حقوقی ایران و حقوق تجارت بین الملل تعیین نموده و قانون حاکم بر تعهدات غیرقراردادی در نظام حقوقی ایران با توجه به مبانی حقوق تجارت بین الملل مورد شناسایی قرار دهد در همین راستا سعی شده است که از نهاد داوری نیز در حل و فصل اختلافات در عرصه بین الملل بهره مند گردیم.

کلید واژگان: تعهدات ، تعهد قراردادی، تعهد غیر قراردادی،داوری تجاری، حقوق تجارت بین الملل،حقوق موضوعه

مجله علمی پژوهش در علوم انسانی و تحقیقات میان رشته ای ، شماره ۲۱ ، پاییز ۱۳۹۹جلد۱، ص ۴۸-۳۸
http://www.jase.ir

مقدمه

در مورد قانون قابل اعمال بر مسئولیت غیرقراردادی از دیر باز سه نظریه مطرح بوده است :الف- قانون محل وقوع(ارتکاب)مسئولیت غیرقراردادی (قانون محل وقوع یا ارتکاب خسارت)،ب- قانون کشور محل رسیدگی یا قانون مقر دادگاه، ج-قانون مناسب بدین معنا که دادگاه ها هر وضعیت را به طور خاص بررسی می نمایند تا قانونی را که بیش ترین ارتباط یا منفعت را با پرونده مطروح دارد به عنوان قانون قابل اعمال انتخاب کنند. نیز قانون قابل اعمال، قانون کشوری است که مهم ترین ارتباط را با دعوا داشته باشد.اصل حاکمیت اراده، امروزه یکی از اصول اساسی در حقوق تجارت بین الملل است که هم در حقوق داخلی کشورها و هم در عهدنامه های بین المللی(در حوزه قراردادها و تعهدات غیرقراردادی) مورد پذیرش واقع شده است .این اصل در معنای ساده خود یعنی آن که طرفین اختیار دارند قانون قابل اعمال بر رابطه حقوقی خود(اعم از قراردادی یا غیرقراردادی) را آزادانه انتخاب نمایند. و در شرایطی می توانند دعوی خود را در عرصه بین المللی به نهاد داوری بسپارند امروزه در سطح بین المللی، حاکمیت اراده به اندازه ای از اهمیت برخوردار است که برخی با تعبیر آن به حاکمیت فرد از آن به عنوان یک معیار بین المللی یاد کرده اند که می تواند بر حقوق بین الملل خصوصی ملی کشورها که ناسازگار با این اصل باشد تفوق یابد در سطح اتحادیه اروپا رم که با هدف یکسان نمودن قواعد حل تعارض در زمینه تعهدات غیر قراردادی و در راستای اسناد حقوقی قبلی این اتحادیه، یعنی عهدنامه رم ۴۸۹۰ در خصوص قانون قابل اعمال بر تعهدات قراردادی و عهدنامه بروکسل ۴۸۶۹ در زمینه صلاحیت و اجرای احکام دادگاه ها وضع شده است، حاکمیت اراده را در تعارض قوانین تعهدات غیرقراردادی می پذیرد و نکات مهم و اساسی را در خصوص آن مطرح می نماید.لذا در این مقاله ما بدنبال دستیابی به این سوال هستیم که قانون قابل اعمال بر تعهدات غیرقراردادی در نظام حقوقی تجارت بین الملل و حقوق داخلی کدام قانون است؟ و چنانچه به نهاد داوری سپرده شد به چه صورتی حل اختلاف صورت می پذیرد؟

تعاریف

تعهد:

تعهد در لغت به معنای به گردن گرفتن کاری است (معین،۷۸،۱۷۵) امّا در اصطلاح حقوقی، تعهد رابطه‌ای حقوقی است که به موجب آن یک یا چند شخص معین به موجب عقد یا شبه‌عقد یا جرم یا شبه‌جرم و یا قانون، ملزم به دادن چیزی یا فعل یا ترک عملی به نفع شخصی یا اشخاص معینی هستند.(جعفری لنگرودی،۶۳،۱۳۸۸).

مسئولیت غیر قراردادی (قهری)

مسئولیت قهری، مسئولیت ناشی از نقض تکلیفی است که ابتدائاً توسط قانون مقرر شده است. چنین تکلیفی در مقابل اشخاص بطور کلی است و نقض آن از طریق اقامه دعوی برای مطالبه خسارت تقویم نشده، قابل جبران است. (بادینی،۳۷،۱۳۸۴).

مسئولیت مدنی :

هرگاه شخصی متعهد به جبران خسارت وارد به دیگری باشد که این خسارت عرفا منسوب به وی باشد و شخص هیچ حق مشروعی در اضرار به غیر نداشته باشد،مسئولیت مدنی در جبران خسارت خواهد داشت.(یزدانیان و شهیدی،۲۷،۱۳۷۹).

داوری :

صاحب نظران و علمای حقوقی در تعریف داوری جهد بسیار نموده‌اند و به تعاریف قابل قبول و اقناع کننده ای در این زمینه دست یافته‌اند از جمله متولسکی، داوری را «عدالت خصوصی می داند که ریشه آن معمولا قراردادی است در تعاریف جدیدتر نیز به مبنای قراردادی داوری توجه شده است، مثلاً ژارو سون می گوید «داوری نهادی است که به موجب آن شخص ثالثی اختلاف مطروحه بین دو یا چند نفر را در مقام اجرای مأموریت قضایی که توسط آنان به وی اعطاء گردیده تصفیه می نماید (جنیدی ، ۱۳۸۱، ۲۴).

نظریه اعمال قانون مقر دادگاه

مقصود از قانون مقر دادگاه قانون کشوری است که دعوا در ان جریان دارد. به عبارت دیگر قانون کشور متبوع دادگاهی است که به دعوای مطروحه رسیدگی میکند. در مورد قانون مقر دادگاه دو نکته را باید متذکر شویم: نخست آن که، قانون مقر دادگاه و قانون درون مرزی گرچه غالباً باهم انطباق دارند ولی گاهی اتفاق می افتد که دادگاه در موردی قانونی را باید اجرا کند که قانون درون مرزی خودش نیست مثلاً : هرگاه مال غیر منقولی در ایران واقع باشد و راجع به ان دعوایی در دادگاه ایران مطرح شود در اینجا دادگاه ایران قانون ایران را به

عنوان قانون محل وقوع مال (قانون درون مرزی) به موقع اجرا میگذارد. در این مثال قانون مقر دادگاه و قانون درون مرزی باهم منطبق هستند اما فرض کنید در دادگاه ایران دعوایی راجع به مالی (منقول یا غیر منقول) که در خارج ایران واقع است مطرح شود.در این فرض، برخلاف فرض سابق، دادگاه ایران دیگر قانون ایران(قانون درون مرزی) را به اجرا نمیگذارد بلکه قانون کشور محل وقوع مال را اجرا میکند.البته باید در نظر داشت که در فرض اخیر نیز چون دعوی در دادگاه ایران جریان دارد و به موجب یک قاعده ی حقوق بین الملل خصوصی قواعد صوری (تشریفاتی) مربوط به آیین دادرسی تابع قانون مقر دادگاه است بنابراین قانون ایران به عنوان قانون مقرّ دادگاه اجرا خواهد شد. به عبارت دیگر قواعد تشریفاتی معمول در ایران بر این دعوا حکومت خواهد کرد.نکته ی دیگر ان که قانون مقر دادگاه در عمل بر بسیاری از موضوعات حقوق بین الملل خصوصی حکومت میکند. علت این امر آن است که قانون مقر دادگاه قابلیت این را دارد که در بسیاری از موارد جانشین قانون خارجی شود و یا خلأ ناشی از عدم وجود قانون معمولا صلاحیت دار را جبران کند. در توضیح این مطلب میگوییم هرگاه در راه اجرای قانون خارجی که به موجب قواعد حل تعارض صلاحیت دار شناخته میشود مانعی بوجود اید ویا اساساً قانونی برای حکومت بر مسئله متنازعٌ فیه وجود نداشته باشد قانون مقر دادگاه اعمال خواهد شد (الماسی،۱۳۹۰،۲۳).

نظریه اعمال قانون محل وقوع فعل زیانبار

امروزه اعمال قانون محل وقوع شبه جرم،دکترین رایج قاره اروپا و اکثر کشورهای عربی میباشد ولی در گذشته، دکترین رایج ایالات متحده ی امریکا بود و امروزه در فرانسه نیز موارد زیادی پذیرفته شده است(به نقل از: خورشید،۱۳۳۹،۳) و کاربرد غالب دارد. لذا اکثر صاحب نظران حقوق بین الملل خصوصی قانون قابل اعتماد بر الزامات غیر قراردادی را قانون "محل وقوع فعل زیانبار" میدانند.البته در حقوق کشورهایی مانند فرانسه که نظریه تقصیر مبنای الزامات غیر قراردادی است. در فرض تعدد مکان های وقوع فعل زیانبار و تحقق خسارت،قانون محل وقوع فعل زیانبار،حاکم بر ماهیت دعوی مسئولیت عامل زیان در جبران خسارت وارد بر زیاندیده است؛ زیرا قانون کشوری که خطا در انجا رخ داده است،رفتار مرتکبین آن خطا را با تنظیم و وضع قوانین مختلف محکوم میکند.اما در حقوق کشورهایی که مبنای مسئولیت غیرقراردادی را مسئولیت محض و «نظریه ایجاد خطر» میدانند، با این استدلال که، «مسئولیت عامل ورود زیان محقق نخواهد شد مگر زمانی که عناصر و ارکان آن تکمیل شده باشد و این تکمیل در مکانی که خسارت تحقق یافته و غیر از مکان وقوع فعل زیانبار است،انجام میشود. »، قانون حاکم بر دعوای الزامات غیر قراردادی را قانون محل تحقق خسارت میدانند.همانطور که طرفداران نظریه ی تضمین حق نیز از آن جهت که مکان تحقق خسارت را آخرین مکانی میدانند که در انجا به منافع حفاظت شده ی شخصی، خسارت و لطمه وارد میشود،همان قانون را حاکم بر ماهیت دعوای الزامات غیر قراردادی میدانند (به نقل از : اللافی،۱۹۹۱،۴۹۱). این قاعده در مقررات مربوط به حوادث رانندگی فرانسه پذیرفته شده است.اولین دلیل حمایت از قاعده ی اعمال قانونی محل وقوع فعل زیانبار حق حاکمیت سرزمینی میباشد. بدین ترتیب که،قانون محلی که واقعه ی زیانبار در ان رخ داده تنها قانونی است که میتوان نتایج قانونی فعل زیانبار را به آن نسبت داد.طرفداران این قاعده همچنین گفته اند که تنها منبع التزام خوانده به جبران خسارت زیاندیده، قانون محل وقوع شبه جرم میباشد؛ زیرا این قانون نه تنها وجود تعهدات مرتکبین افعال زیانبار را مشخص میکند،بلکه اندازه ی و دامنه ی آن تعهدات را نیز به همان نحو تعیین میکند.دلیل دیگر حمایت از این قاعده این است که اعمال ان معمولا مطابق با انتظارات قانونی طرفین میباشد،قانون الزامات غیر قراردادی برخی از مسئولیت ها را به انواع خاصی از رفتار و به ایجاد خطر های اجتماعی خاص ربط میدهد. کسانی که در فعالیت های مسئولیت اور شرکت میکنند باید بتوانند خطرهای اجتماعی را محاسبه کرده و خود را در برابر ان بیمه کنند. همه باید این اخلاق را داشته باشند که رفتارهایشان را با قانون کشوری که در انجا فعالیت میکنند،منطبق سازند.دلیل دیگر حمایت از این نظریه اینگونه بیان شده که رابطه ی قانونی حاصل از این عمل نه مستند به موضوع التزام است و نه مستند به طرفین ان(عامل زیان و زیان دیده)، بلکه مستند به منشاء التزام که همانا خود عمل زیانبار است، میباشد و محل وقوع فعل زیانبار، همان کافی است که قانون آن محل باید حاکم بر قضیه ی التزام باشد؛ خصوصاً اینکه قانون با هدف ایجاد تعادل بین حقوق فرد و حقوق دیگران آثار قانونی را بر عمل مادی مترتب میکند بدون اینکه اراده ی مرتکبین را در آن دخیل بداند(زنگنه،۱۳۹۶،۳۹۸تا۴۰۰ به نقل از: صفایی،۱۳۷۵،۶۳تا۶۷). کشور انگلیس که برای مدت زمان طولانی از نظریه تلفیقی قانون مقر دادگاه و قانون محل وقوع فعل زیانبار پیروی می کرد، امروزه به موجب بند ۱ ماده ۱۱«قانون حقوق بین الملل خصوصی»مصوب ۱۹۹۵، آن نظریه را به کار گرفته و اصل حکومت قانون محل وقوع فعل زیانبار را پذیرفته است. این نظریه نه تنها در قوانین داخلی و رویه قضایی کشورها پذیرفته شده، بلکه در کنوانسیون های لاهه نیز به ویژه در ماه ۳ کنوانسیون مربوط به قانون حاکم در تصادفات ناشی از حمل ونقل مصوب ۴ مه ۱۹۷۱ و نیز ماده ۴کنوانسیون مربوط به قانون حاکم بر مسئولیت ناشی از محصولات تولیدی مصوب ۲ اکتبر ۱۹۷۳ ، اصل صلاحیت قانون محل وقوع فعل زیانبار، پذیرفته شده است.

نظریه اعمال قانون مناسب

این نظریه را نخستین بار به صورت مدون، جان هامفری کارلیل موریس، حقوقدان برجسته بیان کرد و تحوّل بزرگی در تعارض قوانین، به ویژه در تعیین قانون حاکم بر تعهدات غیرقراردادی، به وجود آورد(صالحی ذهابی،۱۱۳،۱۳۸۱). این نظریه جدیدترین نظریه ایست که در خصوص قانون حاکم بر دعوای الزامات غیر قراردادی بیان شده،و در حقوق ایران و فرانسه نیز طرفدارانی دارد.این نظریه به خاطر عیوب و ایراداتی که از اعمال صرف و غیر منعطف قانون محل وقوع فعل زیان بار به بار امده بود، با تحلیل عوامل اجتماعی مربوط به واقعه ی زیانبار، وضعیت و موقعیت عامل زیان و زیان دیده و مرکز ثقل روابط انان و...مناسب ترین قانون را که نزدیکترین ارتباط با طرفین دعوی و با حادثه ی زیانبار دارد قانون صلاحیت دار میشناسد(شهیدی،۳۹،۱۳۷۶).

در برخی از پرونده ها میتوان با توجه به اوضاع و احوال خاص ان ها،استدلالی قوی را در مقابل اعمال صرف قانون محل وقوع شبه جرم برای هر مسئله مطرح شده و نشأت گرفته از هر نوع الزام غیر قراردادی ارائه کرد.اولاً در شرایط امروزی،محل شبه جرم اغلب به همان اندازه اتفاقی است که محل انعقاد قرارداد ممکن است اتفاقی باشد.این موضوع بویژه در مورد تصادفات حمل و نقل ثدق میکند.به عنوان مثال،تصادفی ممکن است بین ماشین های انگلیسی و فرانسوی در سوئیس اتفاق افتد که محل بروز حادثه کاملا اتفاقی باشد در نتیجه قانون محل بروز حادثه نمیتواند برای حکومت بر این قضیه صالح باشد. ثانیاً ممکن است محل شبه جرم نامعین باشد. همانند موقعی که عمل خوانده در یک کشور اتفاق افتد و ضرر وزیان متعاقب ان نسبت به خواهان در کشور دیگری محقق شود. ثالثاً و مهمتر از همه اعمال قانون محل وقوع فعل زیانبار،قطع نظر از محل سکونت و اقامتگاه شخص خاطی و زیاندیده و قطع نظر از نوع شبه جرم مورد بحث،ممکن است به نتایج نامطلوبی منجر شودکه عقل سلیم آن را نپذیرد. نظریه ی قانون الزامات غیرقراردادی، توسط دومین مجموعه تعارض قوانین آمریکا اتخاذ شد،بخش اصلی در این مجموعه که مربوط است به شبه جرم ها چنین مقرر داشته: « باتوجه به موضوع شبه جرم،حقوق و تکالیف توسط قانون داخلی ایالتی که نسبت به آن مسئله، عمده ترین ارتباط را با واقعه و طرفین دارد،تعیین میشود » (زنگنه،۴۰۱،۱۳۹۶).علاوه بر موارد مذکور می توان گفت: کنوانسیون های بین المللی نیز در تعیین قانون حاکم بر مطالبه جبران خسارت در دعاوی ناشی از تعهدات غیرقراردادی، تحت تأثیر این نظریه واقع شده اند.در ماده ۴ کنوانسیون لاهه در خصوص قانون حاکم بر حوادث ناشی از حمل ونقل آمده است:هرگاه در تصادف به وقوع پیوسته، فقط یک وسیله نقلیه دخالت داشته باشد و آن وسیله نقلیه در کشور دیگری غیر از محل وقوع حادثه به ثبت رسیده باشد، مسئولیت متصدی وسیله مزبور تابع قانون محلی خواهد بود که وسیله مذکور در آن به ثبت رسیده است.هرگاه بیش از دو وسیله نقلیه در حادثه دخالت داشته باشند و آن دو وسیله، در کشور دیگری غیر از کشور محل وقوع حادثه به ثبت رسیده باشند، همین ترتیب رعایت خواهد شد.(نیکبخت،۱۳۷۷، ۱۹۰)

نظریه اعمال اصل حاکمیت اراده

بحث حاکمیت اراده در تعارض قوانین نخستین بار در قرن شانزدهم میلادی به وسیله ی «شارل دومولن»ا مطرح گردید.دومولن نظر خود را به این صورت اظهار نمود که چون قرارداد مخلوق اراده ی طرفین قرارداد است و در واقع نوعی محدودیت ارادی حقوق متعاملین میباشد لذا منطق حقوقی ایجاب میکند که طرفین قرارداد بتوانند ازادانه هر قانونی را که متناسب میدانند بر قرارداد خود حاکم سازند. «امانوئل کانت» در کتاب «نظریه ی حقوق» چنین گفته بود که : هیچکس را نمیتوان تحت حاکمیت قانونی ـ جز آن چه که خود او خواسته است ـ قرارداد. پس از او «موران» حقوقدان بلژیکی، در قرن گذشته از اصل آزادی طرفین برای تعیین قانون حاکم بر قرارداد به استقلال طرفین تعبیر نمود. یعنی طرفین قرارداد در تعین قانون حاکم بر ان استقلال و اختیار دارند. مفهوم حاکمیت اراده از نیمه ی دوم قرن بیستم به بعد توسعه یافت، به طوری که هم در اکثر نظام های حقوق ملی و بین المللی راه یافت و هم قلمرو آن به دیگر موضوعات حقوقی بسط پیدا کرد. مقبولیت عام تئوری آزادی طرفین در انتخاب قانون حاکم به حدی است که «لندو» آن را یک اصل کلی شناخته شده به وسیله ی ملل متمدن دانسته است. مؤسسه حقوق بین الملل نیز در سال ۱۹۹۱ در تصویب نامه ای در خصوص حاکمیت یا استقلال اراده ی طرفین قراردادهای بین المللی، از حاکمیت اراده ی طرفین به عنوان یکی از اصول اساسی حقوق بین الملل خصوصی نام برده است(محمدنژاد،۵تا۶،۱۳۹۲). امروزه در سطح بین المللی، حاکمیت اراده به اندازه ای از اهمیت برخوردار است که برخی با تعبیر آن به حاکمیت فرد از آن به عنوان یک معیار بین المللی یاد کرده اند که می تواند بر حقوق بین الملل خصوصی ملی کشورها که ناسازگار با این اصل باشد تفوق یابد. از دیدگاه حقوقی نیز حمایت از منافع مشروع افراد، نیاز به قواعد حل تعارضی را ایجاب می کند که اطمینان، قابل پیش بینی بودن و یکسان سازی نتایج را محقق سازد و از آن جا که یکی از اهداف اساسی قواعد تعارض قوانین، جلوگیری از اعمال قانونی است که طرفین هیچ گاه آن را تصور نکرده اند، و از طرف دیگر با توجه به نظر برخی که حقوق بین الملل خصوصی بیش تر در جهت حمایت از منافع اشخاص می باشد تا دولت، حاکمیت اراده می تواند تمام این اهداف را به نحو خوبی محقق سازد. از نظر اقتصادی نیز آزادی اشخاص در انتخاب قانون قابل اعمال به کارایی بیش تر منجر می شود. مبنای این گزاره نیز این است که افراد، انسان های

معقولی هستند که به دنبال به حداکثر رساندن رفاه خویش می باشند و دانش متعارفی نیز از اولویتهای خود دارند که به غیر از خود شخص، هیچ کس از آن آگاهی ندارد. بنابراین آنها وارد یک موافقتنامه انتخاب قانون نمی شوند، مگر این که معتقد باشند در وضعیت بهتری قرار خواهند گرفت(G.RUHI,2007,32-33) .

داوری تجاری بین المللی

از آنجا که رابطه داوری تجاری بین المللی و داوری مطلق رابطه عموم و خصوص مطلق می باشد و مطلق داوری بسیار گسترده تر از بحث داوری تجاری بین المللی است و داوری تجاری بین المللی تنها شاخه ای از داوری و خود داوری نیز شاخه ای از طرق حل و فصل غیرقضایی اختلافات است پس باید به وصف های متمایز کننده این شاخه از داوری از سایر انواع و شاخه‌های داوری توجه نمود و آنها را تبیین نمود.

در حقوق ایران معیار بین المللی بودن داوری خارجی بودن حداقل یکی از طرفین اختلاف است براساس بند ت ماده یک آیین‌نامه نحوه ارائه خدمات مرکز داوری اتاق ایران در مورد حل و فصل اختلافات تجاری داخلی و بین المللی : «داوری تجاری بین المللی آن است که یکی از آنها در زمان انعقاد موافقت‌نامه داوری طبق قوانین ایران تبعه ایران نباشد.» بنابراین معیار تعیین‌کننده تابعت طرفین است به طور کلی دو معیار برای تشخیص بین المللی بودن داوری ارائه شده است.

اولین معیار توجه به ماهیت بین المللی قرارداد اصلی است هر پرونده داوری که در آن عنصری خارجی وجود داشته باشد حتی اگر طرفین اختلاف نیز تابع یک کشور باشند و یا در یک کشور اقامت داشته باشند بین المللی تلقی می‌شود معیار دیگر توجه به وضعیت طرفین داوری است بر این اساس تابعیت مختلف یا محل اقامت در دو کشور مختلف سبب بین المللی شدن داوری می‌گردد(سیدی ، ۱۳۹۲، ۲۳).

شرایط داوری در حل و اختلافات تجاری بین المللی

تجاری بودن

داوری اختلافات ناشی از روابط تجاری را داوری تجاری گویند(میرزایی، ۱۳۸۸، ۲۳). اما وصف تجاری به چه معاملاتی اطلاق می شود و دعاوی ناشی از روابط تجاری را فقط باید تجار مطرح کنند؟ ماده ۱ از باب اول قانون تجارت ایران شخص تاجر را چنین معرفی نموده. «تاجر کسی است که شغل معمولی خود را معاملات تجاری قرار بدهد» و در ماده ۲ به تبیین معاملات تجاری می پردازد، اعمال ده گانه ای که اشتغال به آن شغل شخص را تاجر می کند و وی را دارای وظایف و مسئولیت های یک شخص تاجر؛ در ماده ۳ اعمال تجارتی تبعی، یعنی اعمالی که به واسطه کننده آنها تجاری محسوب می‌شوند شرح داده شده.

در ماده ۲ قانون داوری تجاری بین المللی به نحو غیر محصور اعمالی چون خرید و فروش کالا و خدمات، حمل و نقل، بیمه، امور مالی، خدمات مشاوره ای، سرمایه گذاری، همکاری فنی، نمایندگی، حل العمل کاری پیمانکاری را اعمال تجاری دانسته در پانویس بند یک ماده ۱ قانون نمونه آنسیترال در مورد واژه تجاری بدین نحو توضیح داده شده

واژه "تجاری" دامنه وسیعی از تفسیر موارد را در بر می گیرد از جمله موارد برخاسته از کلیه روابط با ماهیت تجاری در هر صورت منعقد شده و نشده باشد(میرزایی، ۱۳۸۸، ۵۶۶).

اما در پاسخ به پرسش مطرح شده که آیا فقط تجار می توانند دعاوی ناشی از روابط تجاری را به داوری تجاری بین المللی عرضه کنند یا نه؟ باید گفت که هرکس که اهلیت تمتع و استیفاء را داشته باشد می تواند اختلاف ایجاد شده خود در روابط تجاری را به داوری تجاری بین المللی عرضه دارد و خواهان راه حل شایسته‌ای در این زمینه شود چرا که حق هر کسی است تا در بهبود وضعیت معیشتی خویش دست به فعالیت‌های اقتصادی بزند و نباید فقط تجار را دارای این حق دانست که به داوری‌تجاری رجوع کنند دانست.

بین المللی بودن و ضابطه‌های آن

در اسناد بین المللی نظیر قانون نمونه داوری تجاری بین المللی و کنوانسیون ۱۹۸۰ سازمان ملل متحد در مورد بیع بین المللی کالا چهار فاکتور برای بین المللی شناخته شدن یک رابطه در نظر گرفته شده بدین شرح

الف. اقامتگاه

وقوع اقامتگاه طرفین یک معامله تجاری در کشورهای با حاکمیت مختلف در برخی از کشورها به عنوان ملاک تعیین بین المللی بودن یک رابطه خواهد بود این روش در کشورهایی کاربرد دارد که سیستم تابعیت خاک را بر اتباع خود اعمال می کنند.

ب. محل تجارت یا محل فعالیت

این محل در مورد اشخاص حقوقی در حقیقت همان مرکز اصلی شرکت است که امور مهم آن در آنجا انجام می شود و در صورت وجود محل‌های متعدد تجارت آن محلی را باید کانون توجه قرار داد، که با توجه به اوضاع و احوال قرارداد منعقده میان طرفین قرارداد به عنوان مرکز امور آن طرف فرض شده.

ج. نزدیک ترین رابطه با محل قرارداد.

بند الف ماده ۱۰ کنوانسیون بیع بین المللی کالا و بند ۱ ماده ۳ قانون نمونه داوری تجاری بین المللی (آنسیترال) و بند ۱۰ ماده ۱ اصول قراردادهای بازرگانی بین المللی از ضابطه نزدیک ترین ارتباط با اجرای قرارداد یاد کرده‌اند. نزدیک‌ترین رابطه با قرارداد یا closest connection واژه جادویی و یحتمل کلید انتخاب قانون قابل اعمال در قراردادهای بین المللی است(امیر معزی ، ۱۳۹۳، ۴۱۷). این راه حل (نزدیک ترین ارتباط) در رویه و عملکرد جدید داوری بین المللی تحول یافته و به سیستم قانونگذاری کشورها رسوخ کرده است.

د. تابعیت

در قانون داوری تجاری بین المللی ایران عنصر و معیار شناسایی بین المللی بودن یک قضیه را تابعیت مشخص می کند، چرا که داوری را زمانی بین المللی دانسته که یکی از طرفین در زمان انعقاد موافقتنامه داوری به موجب قوانین ایران تبعه ایران نباشد.

در اینجا فرضی را می‌توان مطرح کرد که در داوری‌تجاری بین المللی که در ایران مطرح است و یکی از طرفین آن ایرانی است و طرف دیگر آن شخصی است که دارای تابعیتی دوگانه و هم ایرانی وهم بیگانه است و بر حکومت قانون داوری‌تجاری بین المللی ایران بر محکمه داوری ضمن موافقتنامه‌داوری هم توافق کرده‌اند.

در این حالت دولت تابعیت ایرانی شخص دارای تابعیت مضاعف را مد نظر قرار می دهد و به تابعیت مضاعف خارجی هیچگونه اثری مترتب نمی‌شود. چون هر دو طرف ایرانی شناخته خواهند شد، قطعاً موضوع اختلاف آنها در حوزه قانون داوری تجاری بین المللی ایران قرار نخواهد گرفت.

حال سوالی که مطرح می شود این است که آیا در چنین وضعیتی موافقتنامه داوری میان طرفین باطل خواهد بود یا موافقتنامه به اعتبار خود باقی است و طرفین باید مطابق قواعد داوری مندرج در آیین دادرسی ایران عمل کنند؟

در اینکه طرفین در چنین وضعیتی مشمول قانون داوری تجاری بین المللی ایران قرار نمی‌گیرند شکی نیست. اما به نظر می رسد با ارجاع صریح به قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران و غیرقابل اعمال بودن آن در قضیه،این چنین کیفیتی برای موافقتنامه حادث شده که هریک از طرفین علی الخصوص طرفی که دارای تابعیت مضاعف است حق فسخ توافقنامه را دارد چرا که توافق بر ارجاع به قانون داوری‌تجاری بین المللی با احکام خاص آن و شرایط آن صورت گرفته و نه بر مطلق ارجاع امر بر داوری.

فارغ از بحث فوق و در مقام رجحان یکی از فاکتورهای بین المللی شناختن یک رابطه و بدون توجه تصریحات قانونی و از نقطه نظر حقوقی صرف می توان گفت که نه می توان به طور صددرصد معیار قرار دادن تابعیت را در بین المللی شناختن داوری رد کرد و نه می توان به طول کامل آن را پذیرفت و در هر مورد باید با عنایت به موضوع و اینکه جنبه بین المللی یک قرارداد چقدر اهمیت دارد در این زمینه تصمیم گرفت.

باید توجه داشت که دستور ختم رسیدگی رأی محسوب نمی شود و در مورد اینکه این دستور باید به اتفاق اعضای داوری یا فقط توسط اکثریت اعضا یا رئیس داوری امضا شود رویه ای وجود ندارد.

قانون حاکم بر مسئولیت ناشی از محصولات تولیدی با تاکید بر تجارت بین الملل

مسئله ی مسئولیت مدنی تولیدکنندگان کالا یکی از مباحث حقوق مدنی و تجارت در عرصه بین المللی است که در قرن اخیر در کشور های پیشرفته اهمیت فوق العاده ای پیدا کرده است. مهمترین و پذیرفته ترین مبنای این مسئولیت را شاید بتوان نظریه ی تضمین ایمنی مبیع دانست. فروشنده، به طور ضمنی در برابر خریدار،تعهد میکند که جنس سالم و بی عیب به او تحویل دهد و اگر به این تعهد عمل نکند، مسئول زیان های ناشی از آن است. تعارض قوانین در مسائل مسئولیت مدنی، به خصوص در مسئولیت مدنی ناشی از کالاها، به دلایل گوناگونی، توسعه یافته است. یکی از این دلایل، توسعه ی تجارت بین المللی و تبادل فرآورده های گوناگونی است که که ضرورتاً باعث گسترش این تعارض ها شده است. هیچ کشوری نیست که تمامی کالاهای مورد نیازش را خود به تنهایی فراهم آورد. همه ی کشور ها مجبورند تا نیاز خود را از طریق وارد کردن مواد خام و یا کالاهای ساخته شده با اتکا به قواعد تجارت بین المللی برآورده کنند و طبیعتاً در میان حجم عظیم کالاهایی که وارد هر کشور میشود، وجود فرآورده های معیوب و خطرناک امری اجتناب ناپذیر است. گاهی ممکن است حوادثی پیش آید که در مبنای آن ها تعیین قانون صلاحیت دار مسئله ای ضروری است. براین اساس که مسئولیت سازندگان و فروشندگان کالا، مسئولیتی قراردادی است یا غیر قرادادی، قانون صالح بر آن ممکن است متفاوت باشد که البته تشخیص این امر آسان

نیست و نیازمند توصیفی است که به علت اصلی بودن این توصیف (تاثیر آن در قانون حاکم)، بوسیله ی قانون مقرّ دادگاه صورت میگیرد. در صورت احراز رابطه ی قراردادی تعهدات ناشی از قرارداد تابع اراده ی طرفین است مگر آنکه اراده ی طرفین، بر قانونی خاص واقع نشده باشد که در این صورت تابع قانون محل انعقاد قرارداد خواهد بود.اما اگر مبنای مدنی مسئولیت تولیدکنندگان و توزیع کنندگان یک محصول، مسئولیت غیرقراردادی باشد، قاعده ی عام، اعمال قانون محل وقوع فعل زیانبار میباشد.(همان منبع،۴۰۶تا۴۰۷).

مبنای انتخاب قوانین حاکم بر تعهدات قهری در حقوق مدنی و حقوق تجارت

دادگاه ایران در رسیدگی به هر دو مورد دعاوی قراردادی و غیر قرار دادی، قواعد حل تعارض موجود در قوانین ایران را توجه خواهد نمود و بر اساس آن اقدام خواهد کرد. به عنوان مثال: به موجب ماده۹۶۸قانون مدنی: " تعهدات ناشی از عقود(عقد ها) است مگر اینکه متعاقدین اتباع خارجه بوده و آن را صریحاً یا ضمناً تابع قانون دیگری قرار داده باشند. "

قانون مدنی ایران که مانند قوانین برخی از کشورهای دیگر، مقررات مربوط به حقوق بین الملل خصوصی را در خود جای داده، هیچ تصریحی در خصوص قاعده حل متعارض مربوط به دعوای ناشی از تعهدات غیرقراردادی و قانون حاکم بر دعوای ناشی از جبران خسارت ندارد.علمای حقوق و اندیشمندان تعارض قوانین نیز در این خصوص نظری صریحی ابراز نداشته اند و برخی دیگر از آنان معتقدند که قانون گذار ایران در این مورد قاعده ای وضع نکرده است.برخی از استادان حقوق مدنی ایران، به استناد اصل سرزمین و قاعده.وجود فرض تقصیر در برخی از دعاوی ناشی از تعهدات غیرقراردادی ، نشان دهنده نظریاتی است که در میان دیدگاه های سنتی مسئولیت مدنی مانند نظریه تقصیر و دیدگاه های جدید مانند مسئولیت بدون تقصیر، راه حلی میانه را برگزید و خواهان را بی نیاز از اثبات تقصیر خوانده دانسته اند؛بنابراین در دعوای جبران خسارت همواره به عنوان جزئی از قانون ماهوی صلاحیتدار شناخته می شود.به همین ترتیب هرچند تمام فرض های قانون معنا و مفهوم مشابهی ندارند به نظر می آید که عموما متضمن قواعدی هستند که تکلیف و بار اثبات دعوا را تغییر داده و یا اینکه تعدیل می کنند؛مانند فرض مقرر در ماده ۳۸۶ قانون تجارت در خصوص تقصیر متصدی حمل ونقل به هنگام تلف یا گم شدن مال التجاره و نیز حکم مقرر در ماده ۲۲۷ و ۲۲۹ قانون مدنی در خصوص فرض تقصیر متخلف از انجام.

محلی بودن قوانین که در ماده ۵ قانون مدنی پیش بینی شده است بر این باورند که قوانین ایران، اصولا در داخل مرزهای سیاسی کشور اجرا می شود و بر تمام اشخاص و اموال موجود در آن حکومت می کند.زیرا بر این پندارند که کلیه سکنه ایران، اعم از اتباع خارجه و داخله، مطیع قوانین ایران خواهند بود، مگر در مواردی که قانون استثنا کرده باشد.به دنبال همین مقدمات، نتیجه می گیرند که...در مقام رفع تعارض قوانین، هر جا که تردید در اجرای قانون ایران یا خارجی باشد، اصل، اجرای قانون ایران، درباره ساکنان [آن] است. اما به نظر می آید که برای روشن کردن و اهمیت آن، باید تفصیل و تفکیک بیشتری قایل شویم: گاه حادثه زیانبار و فعل یا ترک فعلی که منجر به ورود خسارت به شخص، مال و حقوق متعلق به دیگری می شود، در قلمرو ایران-اعم از زمینی، دریایی، هوایی-اتفاق می افتد و گاه از حادثه زیانباری که در یک کشور خارجی اتفاق افتاده و به دیگری خسارت وارد کرده است، در دادگاه ایران، اقامه دعوای ناشی از تعهدات غیرقراردادی می شود.

پس از آن که دادگاه ایران برای رسیدگی به دعوای مطرح شده از سوی شخص خارجی یا از سوی اشخاص دیگر علیه شخص خارجی صالح شناخته شد، باید این موضوع بررسی گردد که دادگاه مزبور چه قوانینی را در مرحله رسیدگی لحاظ خواهد کرد، که این قوانین خود به دو دسته قابل تقسیم خواهند بود. به عبارت دیگر، دادگاه جهت رسیدگی به هر دعوی به دو دسته از قوانین توجه می کند. دسته اول قوانین مربوط به آئین دادرسی می باشد که مجموعه شریفاتی را مشخص می نمایند که از طریق آنها مشکلی حقوقی برای رسیدن به راه حل حقوقی توسط مرجعی قضایی لحاظ می گردد.(نیک بخت،۱۳۷۷،۱۸۳تا۱۸۴).

حاکمیت اراده در تعهدات قهری با تاکید بر کنوانسیون رم و قانون تجارت بین الملل

براساس بند ۱ ماده ۱۴ ، انتخاب طرفین تابع شرایطی است که در ذیل آنها را بررسی می نماییم:

در خصوص زمان انتخاب قانون قابل اعمال در اعمال حاکمیت اراده می توان به این امر اشاره نمود که:مطابق بند مذکور توافق طرفین برای انتخاب قانون قابل اعمال می تواند قبل یا بعد از وقوع حادثه زیانبار صورت بگیرد. در طرح کمیسیون آزادی طرفین تنها محدود به بعد از وقوع حادثه شده بود، ولی در متن نهایی این آزادی گسترده تر شد و به قبل از وقوع حادثه نیز تسری یافت.در خصوص توافق قبل از وقوع حادثه نکته ای که قابل ذکر است این است که:این توافق مختص اشخاصی است که «فعالیت تجاری »می دهند. معنای این عبارت چندان روشن نیست. آیا این انتخاب مختص کسانی که تجارت را حرفه خود قرار داده اند (تاجر هستند) و یا تنها باید فعالیت تجاری نمایند. چنانچه یک مصرف کننده با تاجری قرارداد بیعی منعقد نماید که در آن شرط انتخاب قانونی وجود داشته باشد، مبنی بر این که تمام اختلافات فی مابین طرفین، اعم از قراردادی و غیرقراردادی تابع قانون منتخب (که شاید تحمیلی نیز باشد) می باشد، و این شرط را

نافذ تلقی نماییم به نظر می رسد هدفی که تدوین کنندگان رم ۲ در محدود کردن انتخاب قانون بر تعهدات غیرقراردادی داشته اند، که همانا حمایت از طرف ضعیف می باشد، به مخاطره می افتد(M. (Zhang, supra, note 57, p. 43. بنابراین با توجه به بند ۳۱ مقدمه رم ۲ که مقرر می دارد: در هنگام آزادی طرفین در انتخاب قانون قابل اعمال باید از طرف ضعیف تر حمایت شود، این نوع توافق را باید مختص تجار بدانیم . در صورت پذیرش استدلال مذکور، مشکل دیگر این است که بند ۱ قراردادهایی که روابط بین طرفین آن (که تاجر نیز می باشند) یک طرفه می باشد، مانند قراردادهای فرانشیز و مجوز بهره برداری را نیز در بر می گیرد؛ زیرا ممکن است در این موارد فرانشیز دهنده قانون حاکم را به فرانشیز گیرنده تحمیل کند. به همین دلیل است که در برخی نظام های حقوقی فرانشیزگیرنده از همان حمایت هایی که مصرف کنندگان برخوردارند بهره مند می شود.

شاید این امر به این دلیل است که بند ۱ ماده مذکور برای معتبر تلقی شدن توافقات قبل از وقوع حادثه قید دیگری نیز افـــزوده است و آن مذاکره آزاد برای این دســـت توافقات می باشد. شایداین قید که از آن با عنوان « تضمین مضاعف » تعبیر نموده اند به خوبی نتواند از تاجر ضعیف تر به قدر کافی حمایت نماید؛ (نوروزی شمس،۱۳۸۸، ۲۴۵).

تشریح قانون داوری تجاری ایران مصوب ۱۳۷۶ در خصوص حل اختلافات تجاری بین المللی

مجلس قانون گذاری ایران در ۲۸ مهر ماه ۱۳۷۶، برابر با ۱۷ سپتامبر ۱۹۹۷ میلادی، قانون داوری تجاری بین المللی را تصویب کرد. این قانون ۱۵ روز بعد در روزنامه ی رسمی انتشار یافت و از آن به بعد اعتبار قانونی لازمه را کسب کرد. انتشار این قانون در ایران با امید به گسترش داوری های تجاری در ایران، تضمین آزادی و استقلال بیشتر و همچنین از همه مهمتر شناسایی و اجرای احکام داوری بین المللی صادره در ایران و انجام این قبیل داوری ها در ایران، شکل گرفت.

پیش از تصویب قانون داوری تجاری ایران، مقررات داوری موجود در باب هشتم قانون آیین دادرسی مدنی ،صرفا برای داوری های داخلی معتبر و قابل اعمال بود. به همین جهت با تصویب این قانون جدید امید آن می رفت که مقررات بهتر و جدیدتری نسبت به مقررات داخلی در داوری ها به کار گرفته شود. علاوه براین، قانون جدید برای حل و فصل اختلافات در زمینه روابط تجاری رو به رشد در کشورهای همجوار و آسیای میانه و در نتیجه رشد روابط تجاری با آنها باب تازه ای را می گشود.

در آن زمان هنوز مرکز داوری در ایران تاسیس نشده بود و بعدها با تشکیل مرکز داوری بین المللی در ایران اجرای امر داوری تسهیل گشت. بر اساس این قانون چنانچه داوری در ایران برگزار شود«یکی از طرفین دعوی در زمان انعقاد موافقتنامه داوری به موجب قوانین ایران تبعه ایران نباشد[۱]»، داوری بین المللی محسوب میشود. بدین ترتیب این داوری مطابق با مقررات این قانون صورت خواهد گرفت[۲].

به موجب این قانون اخیر می توان گفت آرای داوری در ایران صادر می شوند که داخلی محسوب نمی شوند. (آرای بین المللی داوری محسوب می شوند.) تا پیش از پیوستن ایران به کنوانسیون نیویورک، این قبیل آرای داوری از لحاظ اجرا تابع مقررات قانون داوری تجاری ایران (ماده ی ۳۵) آن بودند. پس از آن رای داوری صادره در ایران تحت قانون داوری تجاری بین المللی تنها به موجب کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸ به اجرا در خواهد آمد.

مگر بر اساس ماده ی هفت بند اول کنوانسیون نیویورک (شرایط مطلوب تر) که در این صورت متقاضی اجرای رای، اجرای آن را باید تحت عهدنامه در خواست کند و پس از آن در جایی که شرایط مطلوب تری در قانون داوری تجاری بین المللی (ماده ی ۳۵)وجود دارد اجرای آن را می تواند تحت این قانون بخواهد.

دیوان بین المللی داوری اتاق بین المللی بازرگانی

مرکز داوری اتاق ایران، در اجرای بند «ح» ماده «۵» قانون اصلاح موادی از قانون اصلاح اتاق بازرگانی ایران و صنایع و معادن ایران، مصوب ۱۵ /۹ / ۱۳۷۳ ، به منظور حل و فصل اختلافات بازرگانی داخلی و خارجی، بر مبنای «قانون اساسنامه مرکز داوری اتاق ایران»، مصوب ۱۴ / ۱۱ / ۱۳۸۰ ، تأسیس گردید و همچنین مرکز دارای استقلال مالی و اداری است. مرکز داوری در شهر تهران، در محل اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران مستقر است و دارای سه رکن هیئت مدیره، دبیر کل و داوران می‌باشد. اسلوب داوری همواره در حقوق ایران وجود داشته است لکن به صورت داوری موردی بوده است که با تراضی طرفین یا از طریق دادگاه انجام شده است. با تشکیل مرکز داوری، برای نخستین بار مفهوم داوری سازمانی وارد نظام حقوقی ایران شده است

دیوان داوری بین المللی اتاق بازرگانی بینالمللی ICC یکی از شـاخصـتـرین نهادهـای داوری تجاری بینالمللی است که دبیرخانه آن در پاریس مـستقر اسـت، لـیکن داوری ICCتحـت نظـارت دیـوان مـذکور در هـر کـشوری در دنیـا برگـزار شـوداتاق بازرگانی

[۱]ماده ی یک بند ب قانون داوری تجاری ایران
[۲]ماده ی دو بنداول قانون داوری تجاری ایران

بین المللی که به عنوان یک سازمان غیردولتی در سال ۱۹۱۹ میلادی در پاریس تشکیل شده و در واقع انجمن از اتاقهای بازرگانی ملی است در سال ۱۹۲۳ اقدام به تأسیس دیوان داوری خود کرد و از همان زمان با آهنگی آرام ولی فزاینده خود را به عنوان یکی از سازمانهای معتبر داوری تجاری بین المللی مطرح و تثبیت نمود(کلانتری، ۱۳۸۸، ۲۳-۶).

نتیجه گیری

در حقوق تجارت بین‌الملل قانون محل وقوع، قانون کشور محل رسیدگی یا قانون مقر دادگاه و قانون مناسب از نظر دادگاه رسیدگی کننده بر تعهدات غیرقراردادی حکمفرماست اما در حقوق داخلی هیچ گونه قاعده صریح و مشخصی وجود ندارد. تعهدات قراردادی بر مبنای توافقی که میان طرفین صورت می گیرد ایجاد می شوند در حالکیه تعهدات غیرقراردادی به موجب قانون و به صورت قهری ایجاد می شوند.

در دعاوی تجاری بین المللی قاضی رسیدگی کننده به دعوا، همواره یک اصل و راهنما را در پیش رو دارد و به هنگام برخورد با دعاوی بین المللی، به جای اینکه دچار تردید و سردرگمی شود، به عنوان قاعده خواهد پذیرفت که قانون محل وقوع فعل زیانبار، حاکم بر دعواست.در همین خصوص، پیش بینی کردن این راه حل، به عنوان اصل، به امنیت و ثبات در روابط اقتصادی و تجاری بین المللی نیز کمک می کند؛ زیرا دست اندرکاران دادوستد بین المللی همواره در صددند که حقوق و تکالیف خود را با توجه به قانون حاکم بر روابط آنان با مصرف کنندگان و مشتریان و صادرکنندگان و تولیدکنندگان بشناسند.به علاوه در برخی موارد، قانون محل وقوع فعل زیانبار، مناسب ترین قانون نیز می باشد.

در اکثر موارد در دعاوی تجاری بین المللی این دعاوی به نهاد داوری سپرده می شود لیکن امروزه بیش از پیش تمایل رجوع بـه داوری سـازمانی در بین تجار بین المللی جهت حل و فـصل دعـاوی دیـده مـیشـود هـر چنـد ویژگـی خصوصی بودن در داوری موردی برجسته تر به نظر میرسد، یکی از دلایل امر مزبـور میتواند ثبات و نظم داوری سازمانی باشد. داوری سازمانی پدیده ای ضروری برای مـدیریت داوری اسـت و حـسب اینکـه از آئینی مناسب و مدیریتی سالم برخوردار باشد، میتواند در حل و فصل اختلافات نقـش مؤثری ایفا کند. داوری سازمانی اصولاً در چارچوبی خصوصی و با مـاهیتی قـراردادی فعالیت میکند که در آن سازمان داوری، داور و طرفین دعوی در مقابـل هـم حقـوق و تعهداتی دارند. شکوفایی سازمانهـای داوری در سراسـر جهـان دلیـل اهمیـت داوری سازمانی است و شایسته است که کشور ایران هم سهمی در این خصوص داشته باشد.داوری نقـش مهمـی در حل اختلافات تجاری بین المللی دارد، البته امروزه داوریهای فراوانی نیز وجود دارنـد کـه تحت نظارت و مساعدت اداری و اجرایی سازمانهای داوری برگزار میشوند و توسعه این سازمان ها، توسـعه نـوع جدیـدی از داوری را در پـی دارد

منابع

۱- امیرمعزی، احمد، داوری بین‌المللی در دعاوی بازرگانی، نشر دادگستر،۱۳۹۳ .
۲- میرزایی، علی رضا، قواعد داوری از منظر حقوق تطبیقی، انتشارات جنگل، ۱۳۸۸.
۳- کلانتری، حسین، «قانون قابل اعمال بر دعاوی ناشی از سرمایه‌گذاری بین المللی»، انتشارات شهر دانش، چاپ اول، ۱۳۹۶.
٤- نوروزی شمس، مشیت الله،(۱۳۸۸)، قراردادهای فرانشیز از منظر حقوق اتحادیه اروپا، مجله تحقیقات حقوقی، ویژه نامه شماره۱.
٥- نیک بخت ، حمید رضا، (۱۳۷۷) چگونگی تعیین قانون حاکم بر تعهدات قراردادی، مجله تحقیقات حقوقی" ، شماره ۲۱-۲۲.
٦- امیر معزی، احمد، «داوری بین المللی در دعاوی بازرگانی»، انتشارات دادگستر، چاپ پنجم، ۱۳۹۵
۷- میرزایی، علی رضا، قواعد داوری از منظر حقوق تطبیقی، انتشارات جنگل، ۱۳۸۸، ص۵۶۲
۸- جواد سیدی درآمدی بر قابلیت ارجاع در داوری‌های تجاری بین‌المللی انتشارات جنگل جاودانه چاپ اول ۱۳۹۲.
۹- محمد نژاد،نادیا.(۱۳۹۲).تعارض قوانین در نقض مالکیت های فکری(مطالعه ی تطبیقی در حقوق ایران و اتحادیه اروپا).(پایان نامه کارشناسی ارشد).دانشگاه علامه طباطبایی.
۱۰- زنگنه،مسعود.(۱۳۹۶).تعارض قوانین در مبحث الزامات خارج از قرارداد در حقوق ایران و فرانسه.حقوق و علوم قضایی.شماره ۴۴.جلد۱. ۴۱۳-۳۹۷.
۱۱- شهیدی ، مهدی (۱۳۷۶).جزوه مسئولیت مدنی.دوره فوق لیسانس حقوق خصوصی.دانشگاه شهیدبهشتی.
۱۲- صفایی، حسین، «حقوق بین الملل و داوری های بین المللی»، انتشارات میزان، چاپ چهارم، ۱۳۹۲
۱۳- الماسی، نجادعلی.(۱۳۹۰). تعارض قوانین،تهران: مرکز نشر دانشگاهی، جاپ بیستم.
۱٤- جنیدی، لعیا، «نقد و بررسی تطبیقی قانون داوری تجاری بین المللی ایران (مصوب ۱۳۷۶)»، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۸۱.
۱٥- یزدانیان،علیرضا،شهیدی،مهدی.(۱۳۷۹).حقوق مدنی قلمرو مسئولیت مدنی.جلد۱.تهران:انتشارات دبستان.
۱٦- بادینی،حسن(۱۳۸۴).فلسفه مسئولیت مدنی.شرکت سهامی انتشار.
۱۷- جعفری لنگرودی، محمدجعفر ، (۱۳۸۸)، مسئولیت قراردادی، مجله حقوقی وزارت دادگستری، شماره۲۲.
۱۸- معین، محمد.(۱۳۷۵).فرهنگ معین.ج ۶. تهران: انتشارات امیرکبیر.
G. Ruhl, (2007)Party Autonomy in Private International Law of Contracts, Transatlantic Convergence and Economic Efficieny, CLPE Research paper 4/ 2007,